

## حسن خلق

ابوالفضل بغمایی

اِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ<sup>۱</sup>

تو اخلاق بزرگ و برجسته‌ای داری.

### مفهوم‌شناسی

اخلاق جمع خُلُق به معنای خوی و خصلت است. مجموع ویژگی‌های روانی و رفتاری، و واکنش‌های عاطفی و رفتاری در برابر دیگران را اخلاق نامند. حسن خلق، یعنی خوش‌خو<sup>۲</sup> و در روایات امامان معصوم علیهم‌السلام به معانی زیر آمده است:

نرم‌خویی، مهربانی، پاکیزگی، ادب در گفتار، خوش‌رویی، خشم نگرفتن، دوری از کارهای حرام، طلب حلال، فراهم آوردن آسایش و رفاه برای خانواده، انس و اُلفت با مردم.<sup>۳</sup> گفتنی است بیشتر اکثر موارد یادشده از مصادیق حسن خلق می باشند.

### ارزش حسن خلق

دانشمندان مسلمان، علم اخلاق را برترین علم یا دست کم یکی از برترین علوم می‌دانند. ابن مسکویه می‌نویسد: «این علم از همه علوم برتر است و به نیکوکردن رفتار انسان از آن جهت که انسان است، می‌پردازد».<sup>۴</sup> و از همین رهگذر، کسی که به اخلاق نیک متّصف است، نسبت به دیگران برتر است.

۱. قلم، ۴.

۲. انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۴، ص ۲۸۱۳ و ج ۳، ص ۲۵۲۹.

۳. ری شهری، ترجمه میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۵۲۳.

۴. «أن هذه الصناعة أفضل الصناعات كلّها، أعنى صناعة الأخلاق التي تعنى بتجويد أفعال الإنسان بما هو إنسان» (ابن مسکویه، تهذیب الاخلاق وتطهير الاعراق، ص ۵۵).

روح انسان مانند جسم او سلامت و بیماری دارد. خداوند در قرآن درباره منافقان می‌فرماید: «فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضاً»<sup>۱</sup> در دل‌هایشان مرضی است و خدا بر مرضشان افزود.

همچنان‌که برای محافظت از سلامت بدن، آشنایی با ویژگی‌های بدن سالم، بیماری‌ها، علل آنها و راه‌های درمانشان ضروری است، برای حفظ سلامتی روح نیز آشنایی با ویژگی‌های روح سالم، بیماری‌های روح، علل و راه‌های درمان آنها لازم است. سلامت روح در گرو آراسته بودن آن به صفات پسندیده و بیماری روح نیز ناشی از تأثیر صفات‌های ناپسند در آن است. آرامش انسان در زندگی نیز در گرو سلامت روحی اوست؛ همچنان‌که بیماری‌های جسمانی آرام و قرار را از انسان می‌گیرند و زندگی را بر او تلخ می‌کنند. بیماری‌های روحی مانند: حسادت، خودبزرگ‌بینی، کینه‌ورزی و کفر به خدا نیز سکون و قرار را از روح انسان می‌رباید.

بیماری‌های روحی ممکن است بیماری‌های بدنی نیز ایجاد کنند. امروزه روان‌شناسان معتقدند: برخی بیماری‌های بدنی انسان با بیماری‌های روانی ارتباط دارد؛ برای نمونه، افسردگی ممکن است با اختلال در کار دستگاه گوارش ناراحتی‌های خاصی را ایجاد کند. بیماری‌های روحی مستقیم و غیرمستقیم در از میان بردن آرامش روانی انسان مؤثرند و تنها راه خلاصی از آنها، آگاهی عمیق از آموزه‌های اخلاقی و عمل به آنهاست و از طرف دیگر نشاط و شادابی زندگی اجتماعی انسان تا حد زیادی در گرو اخلاقی‌زیستن افراد است. به سخن دیگر، سلامت و بیماری روحی اعضای جامعه بر زندگی اجتماعی آنها نیز تأثیر می‌نهد. در جامعه‌ای که اصول اخلاقی رعایت می‌شود، زندگی اجتماعی از نشاط برخوردار است و جامعه به‌راحتی می‌تواند به اهداف موردنظر خود در ابعاد اقتصادی و سیاسی برسد.

علمای اخلاق معتقدند: سعادت فردی و اجتماعی انسان در گرو تخلّق به فضیلت‌های انسانی و پاک‌بودن نفس از رذیلت‌های اخلاقی است؛ خداوند در سوره شمس پس از آن‌که به نفس انسانی سوگند یاد می‌کند که بایدها و نبایدها و شایسته‌ها و ناشایسته‌ها را به نفس انسانی الهام کرده، چنین می‌فرماید:

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا \* وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا<sup>۲</sup>

هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد؛ و هر که آلوده‌اش ساخت، قطعاً درباخت.

۱. بقره، ۱۰.

۲. شمس، ۹ - ۱۰.

فضائل اخلاقی: حسن خلق / ۲۶۹

شاید به دلیل نقش محوری اخلاق در سعادت فردی و اجتماعی انسان است که خداوند یکی از اهداف اساسی بعثت پیامبران و به‌ویژه پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را تزکیه نفس انسان‌ها از آلودگی‌ها بیان کرده است:

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ  
الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ<sup>۱</sup>

اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.

از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود:

أَمَّا بَعَثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛

همانا مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را تکمیل کنم.

بر پایه این روایت نیز جایگاه والای اخلاق و تزکیه نفس از آلودگی و آراسته‌شدن به فضایل اخلاقی در رسالت پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روشن می‌شود.

### پیام‌های آیه

۱. پاداش ابدی برای کسی است که خلق او عظیم باشد (لأجرأ غیر ممنون... لعلی خلق عظیم).
۲. تسلط بر اخلاق عظیم مقارن تسلط بر راه مستقیم است: (إِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ) و (إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ).
۳. کمالات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جزو ذات اوست و او بر آنها تسلط دارد (لعلی خلق عظیم).
۴. دفاع از شخصیت‌های مذهبی که مورد تهمت و تحقیر قرار می‌گیرند لازم است (ما أنت بنعمة ربك بمجنون إِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ)<sup>۲</sup>.

۱. جمعه، ۲.

۲. قرآنی، تفسیر نور، ج ۱۲، ص ۱۷۳ - ۱۷۴.

## آیات و عناوین مرتبط

آثار حسن خلق در قرآن: عبادالرحمان: (فرقان، ۶۳)؛ دوستی: (فصلت، ۳۴)؛ جذب مردم: (آل عمران، ۱۵۹)؛ ناکامی شیطان: (اسراء، ۵۳).  
پاداش حسن خلق در قرآن: (قصص، ۵۴).  
عوامل حسن خلق در قرآن: بهره‌مندی از رحمت: (آل عمران، ۱۵۹)؛ خصال نیک: (فصلت، ۳۴ - ۳۵)؛ صبر: (فصلت، ۳۴ - ۳۵).<sup>۱</sup>

## آثار حسن خلق در روایات

### ۱. خیرات

پیامبر ﷺ فرمود: «حسن خلق، عامل جذب خیرات در دنیا و آخرت است».<sup>۲</sup>

### ۲. روزی

امام صادق علیه السلام فرمود: «خوش‌خویی، روزی را زیاد می‌کند».<sup>۳</sup>

### ۳. الفت

امام علی علیه السلام فرمود: «اخلاق نیکو، میان دوستان انس و الفت پدید می‌آورد».<sup>۴</sup>

### ۴. آبادی خانه‌ها

امام صادق علیه السلام فرمود: «اخلاق نیک، خانه‌ها را آباد می‌کند».<sup>۵</sup>

### ۵. عمر زیاد

امام صادق علیه السلام فرمود: «اخلاق نیک، عمرها را زیاد می‌کند».<sup>۶</sup>

### ۶. محو گناه

امام صادق علیه السلام فرمود: «خوش‌خویی، گناه را می‌گذارد همچنان‌که آفتاب، یخ را».<sup>۷</sup>

۱. رفسنجانی، فرهنگ قرآن، ج ۱۰، ص ۵۹۱ - ۵۹۴.

۲. ری شهری، ترجمه میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۵۱۹، ش ۴۹۹۱.

۳. همان، ص ۱۵۳۵، ش ۵۰۷۵.

۴. همان، ص ۱۵۳۵، ش ۵۰۷۶.

۵. همان، ص ۱۵۳۵، ش ۵۰۷۷.

۶. همان، ص ۱۵۳۵، ش ۵۰۷۷.

۷. همان، ص ۱۵۳۵، ش ۵۰۷۸.

## ۷. آسانی حساب

امام علی علیه السلام فرمود: «اخلاق را نیکو گردان تا خداوند حسابت را آسان گرداند».<sup>۱</sup>

## ۸. پاداش

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «همانا انسان خوش خو را پاداش روزه گیر شب زنده دار است».<sup>۲</sup>

## راه‌های تشخیص و درمان اخلاق بد

۱. تقویت عقل؛ ۲. تفکر پیش از عمل؛ ۳. بدبینی به نفس؛ ۴. مراجعه به طیب روحانی؛ ۵. مراجعه به دوست دانا و دل سوز؛ ۶. از عیب دیگران پند گرفتن؛ ۷. از انتقاد پند گرفتن؛ ۸. نشانه بیماری قلب را مشاهده کردن.<sup>۳</sup>

## موانع راه حسن خلق

۱. بزرگ‌ترین مانع برای کسب صفات نیک، عدم قابلیت نفس است، دلی که در اثر ارتکاب گناه آلوده و تاریک شده نمی‌تواند مرکز تابش انوار الهی باشد. در خانه‌ای که سگ است فرشتگان داخل نمی‌شوند.<sup>۴</sup>

۲. تعلقات مادی؛ چون علاقه به مال، ثروت، همسر، فرزند، خانه، مقام و ریاست و... مانع بزرگی در راه نیک‌شدن آدمی است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «محبّت دنیا، ریشه همه گناهان است».<sup>۵</sup>

۳. پیروی از هوای نفسانی به‌سان آن است که انسان در فضای آلوده نفس می‌کشد، هوای نفس چون دوده‌های غلیظ، خانه دل را تیره و تار می‌سازند، ظرف دل انسان جایگاه یک چیز است؛ یا روشنائی یا تاریکی. وقتی تاریکی باشد، روشنائی راه ندارد.

۴. سخنان غیر ضروری؛ یکی از موانعی که توفیق خوش‌خویی را از انسان می‌گیرد، زیاده‌گویی، بیهوده‌گویی و لغو است، چه رسد به محرّمات زبانی چون دروغ، تهمت، غیبت، فحش، توهین، استهزا و... .

۱. همان، ص ۱۵۳۵، ش ۵۰۸۳.

۲. همان، ص ۱۵۲۱، ش ۵۰۱۳.

۳. امینی، خودسازی، ص .

۴. نراقی، معراج السعاده، ص ۲۵.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۹۰.

۵. حبّ ذات؛ کسی که در مقام خودسازی است، باید از این مرحله بگذرد و گرنه تلاشش بی‌ثمر است. کسی که می‌خواهد متخلّق به اخلاق نیک قرآنی شود، باید حبّ ذات را به حبّ خدا تبدیل نماید و همه کارهایش را صرفاً برای رضای خدا انجام دهد.<sup>۱</sup>

## حکایت

### ۱. هدایت از طریق عمل کردن

علی علیه السلام فرمود: مردی یهودی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چند دینار طلب کار بود، روزی طلب خود را تقاضا کرد. حضرت فرمود: فعلاً ندارم. گفت: از شما جدا نمی‌شوم تا بپردازید، فرمود: من هم در این‌جا با تو می‌نشینم، به اندازه‌ای نشست که نماز ظهر و عصر، مغرب و عشا، و نماز صبح روز بعد را همان‌جا خواندند، اصحاب، یهودی را تهدید کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها فرمود: این چه کاری است می‌کنید؟! عرض کردند: یک یهودی شما را بازداشت کند؟ فرمود: خداوند مرا مبعوث نکرده تا به کسانی که معاهده مذهبی با من دارند یا غیر آنها ستم روا دارم.

صبح روز بعد تا برآمدن و بالا رفتن آفتاب نشست. در این هنگام یهودی گفت: «أشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمداً رسوله»، نیمی از اموال خود را در راه خدا دادم. عرض کرد: به خدا سوگند، این کاری که نسبت به شما کردم نه از نظر جسارت بود، بلکه خواستم اوصاف شما را با آنچه در تورات آمده مطابقت کنم. در آن‌جا خوانده‌ام: محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله در مکه متولد می‌شود و به مدینه هجرت می‌کند، درشت‌خو و بد اخلاق نیست. با صدای بلند سخن نمی‌گوید، ناسزاگو و بدزبان نیست. اکنون به یگانگی خدا و پیامبری شما گواهی می‌دهم، تمام ثروت من در اختیارتان است و هرچه خداوند دستور داده درباره آن عمل کنید.

### ۲. بداخلاقی سعد بن معاذ

ابن سنان از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که آن جناب فرمود: برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله خبر آوردند که سعد بن معاذ فوت شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله با اصحاب آمدند و دستور دادند او را غسل دهند.

خودشان کنار در ایستادند و پس از آن که مراسم غسل و کفن تمام شد او را در تابوت گذاشته برای دفن کردن حرکت دادند. پیامبر صلی الله علیه و آله در تشییع جنازه او با پای برهنه بدون ردا حرکت می‌کرد، گاهی طرف چپ و گاهی طرف راست تابوت را می‌گرفت تا نزدیک قبرستان و قبر سعد

### فضائل اخلاقی: حسن خلق / ۲۷۳

رسید. رسول الله ﷺ داخل قبر شدند و با دست مبارک خودشان لحد را ساختند و خشت بر آن گذاشتند.

پیامبر ﷺ می فرمود: خاک و گل به من بدهید و با گل میان خشت‌ها را پر می کرد، همین که لحد را تمام کرد و خاک بر آن ریخت فرمود: می دانم به زودی این خشت و گل کهنه خواهند شد؛ ولی خداوند دوست دارد هر کاری که بنده‌اش انجام می دهد محکم باشد.

در این هنگام مادر سعد کنار قبر آمد و گفت: سعد! بهشت بر تو گوارا باد. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: مادر سعد! با چنین یقین از طرف خداوند خبر مده. اکنون سعد از فشار قبر رنج دید و آزرده شد.

حضرت رسول ﷺ برگشت، مردم نیز مراجعت کردند. در بازگشت عرض کردند: یا رسول الله ﷺ! عملی با سعد انجام دادی که نسبت به دیگری سابقه نداشت، با پای برهنه و بدون ردا جنازه‌اش را تشییع کردی، گاهی طرف راست و گاهی طرف چپ جنازه را می گرفتی. پیامبر ﷺ فرمود: فرشتگان نیز عاری از ردا و کفش بودند و من به آنها اقتدا کردم و چون دستم در دست جبرئیل بود هر طرف که او می رفت، من هم می رفتم. عرض کردند: یا رسول الله ﷺ! بر جنازه‌اش نماز خواندید و او را با دست مبارک خود در قبر گذاشتی، قبرش را با دست خود درست کردی، باز می فرمایی: سعد به فشار قبر دچار شد؟ فرمود: آری! سعد مقداری بدخلقی در خانواده‌اش داشت و این فشار از آن جهت بود.<sup>۱</sup>

### ۳. رهبر باید خوش‌خوترین مردم باشد

عربی خدمت پیامبر ﷺ آمد و تقاضای کمک مالی کرد. حضرت به اندازه کفایت به او بخشید و فرمود: به تو احسان کردم؟ عرض کرد: نه، بلکه کار خوبی هم نکردی. اطرافیان پیامبر ﷺ با آشفتنگی از جای حرکت کردند تا او را کیفر دهند. حضرت اشاره کرد: خودداری کنید، آن‌گاه وارد منزل شد مقداری دیگری به عطای خویش افزود و به اعرابی داد، بعد فرمود: اکنون احسان کردم؟ گفت: آری! خداوند پاداش نیکویی به شما عنایت کند.

به اعرابی فرمود: تو نزد اصحابم سخنی گفتی که باعث کدورت آنها شد، اکنون اگر صلاح بدانی همین حرف را پیش آنها بزن تا کدورت آنها برطرف شود. فردا صبح اعرابی هنگامی که اصحاب حضور داشتند خدمت پیامبر ﷺ رسید. فرمود: دیروز این مرد حرفی زد، پس از آن که به

۱. خسروی، بند تاریخ، ج ۲، ص ۱۹۷؛ به نقل از: مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۲۰.

عطایش اضافه کردم، گفت که از من راضی شده است، رو به او کرد و فرمود: همین‌طور است؟  
عرض کرد: آری، خداوند به شما خیر عنایت کند.

آن‌گاه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به اصحاب فرمود: مَثَل این مرد مانند کسی است که شترش رم کرده و مردم از پی آن شتر بروند، هرچه بیشتر ازدحام کنند، آن حیوان فرارش زیادت‌تر می‌شود. صاحب شتر فریاد می‌کند: مرا با شتر واگذارید. من راه رام‌کردنش را بهتر می‌دانم، آن‌گاه خودش پیش می‌رود گرد و غبار از پیکر او می‌زداید تا آرام شود، کم‌کم او را خوابانده جهاز بر او می‌گذارد و سوار می‌شود. من هم اگر شما را آزاد می‌گذاشتم وقتی این مرد آن حرف را زد او را می‌کشتید و بیچاره به آتش جهنم می‌سوخت.<sup>۱</sup>

### شعر

هر که را خُلق خوش و روی نکوست      مرده و زندهٔ من عاشق اوست<sup>۲</sup>

\*\*\*

مهر محکم شود ز خوش‌خویی      دوستی کم کند ترش‌رویی  
خلق خوش‌خلق را شکار کند      صفتی بیش از این چه کار کند<sup>۳</sup>

۱. خسروی، پند تاریخ، ج ۲، ص ۱۹۹ - ۲۰۰، به نقل از: قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۱۶.

۲. حیدری ابهری، فرهنگ موضوعی امثال و حکم، ص ۲۳۵، شعر ایرج میرزا.

۳. همان، ص ۲۳۶، شعر اوحدی.